



زنده باد اول ماه مه
روز جهانی کارگر!
زنده باد اتحاد
و همبستگی کارگران
سراسر جهان!



گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر « شورای مرکزی »

کارگران مبارز!
اول ماه مه روز تجلی همبستگی جهانی کارگر
ان در راه است. در این روز کارگران
سراسر جهان اتحاد و همبستگی جهانی خود را
در مقابل سرمایه به نمایش میگذارند. رفقا این
روز تاریخی را به شما شادباش میگوئیم.

ادامه در صفحه ۴

سالی پرچالش در مقابل کارگران و زحمتکشان ایران

در سال گذشته اعتراضات و اعتصابات
کارگران و زحمتکشان جامعه نسبت به
وضعیت وخامت بار زندگی خود از دامنه
وسیعتری برخوردار بود. اعتصابات
و اعتراضات کارگری بی وقفه ادامه داشت،
ابعاد گسترده اعتراضات و اعتصابات
کارگران و فرهنگیان و پرستاران در ماه
های اخیر نیز بعد تازه ای به سراسری بودن
اعتراضات زحمتکشان بخشید. و نشان داد که
هم سطح آگاهی و هم اتحاد زحمتکشان نسبت
به سالهای قبل، از افزایش چشمگیری
برخوردار شده است.

زمینه عینی و اجتماعی گسترش اعتراضات
و اعتصابات کارگران و سایر زحمتکشان
در ماه های اخیر بطور عمده با سیاست های
کلان حاکمیت در شتاب دادن به اجرای
سیاست های نئولیبرالی گره خورده
است. توجه به ردیف بودجه سال جدید مبین
این واقعیت است که دولت روحانی
در راستای اجرای سریعتر و قطعی تر
دستورات بانگ جهانی و صندوق بین المللی
پول، نسبت به افزایش دستمزد کارگران
و کارمندان و اجرای تعهدات خود نسبت به
بازنشستگان، اعتبارات لازم را
در نظر نگرفته است.

ادامه در صفحه ۴

درباره تفاهم نامه هسته ای

همانطور که قابل پیشبینی بود رژیم جمهوری
اسلامی بعد از سالها توهم پراکنی درباره
بلندپروازیهای هسته ای و کش و قوس
بادولتهای غربی سرانجام در موقعیتی
گریزناپذیر به امضای تفاهم نامه با قدرت
های بزرگ تحت عنوان 5 بعلاوه [تن داد].
این قرارداد برخلاف ادعای سران رژیم نه
یک تفاهم نامه «برد/برد» بلکه از سوی ...

ادامه در صفحه ۶

تشدید بحران اقتصادی، معضل بیکاری را وارد فاز جدیدی نموده است.

«یدی شیشوانی»
بیکاری یکی از تبعات اقتصاد سرمایه داری
است و اینکه در نظام سرمایه داری وجود
لشگری از بیکاران به یکی از ابزارهای فشار
به نیروی شاغل در جهت پائین نگهداشتن سطح
دستمزد ها عمل میکند و سرمایه داران
و دولت بواسطه وجود لشگر بیکاران به رقابت
و کشمکش میان نیروی کار را دامن میزنند ...

ادامه در صفحه ۴

کاهش بهای نفت و موج جدید

بیکارسازیها «نوشین شفاهی»

سال 2015 رسماً با موج جدیدی از
بیکارسازیهای گسترده و دوره ای دیگر از
جدالهای قدرتهای سرمایه آغاز شده است.
در اواخر سال گذشته قیمت نفت به یکباره
سقوط قابل توجهی پیدا کرد. این تنزل قیمت
صدها هزار کارگر صنعت نفت را در
کشورهای مختلفی با بیکاری مواجه ساخت.

نگاهی گذرا به چهره ی کارگر در

ادبیات معاصر فارسی

« احسان حقیقی نژاد »

حضور و پرداخت کارگر در ادبیات فارسی
مقارن با جنبش مشروطه است. نسیم شمال،
فرخی یزدی، عشقی و همچنین لاهوتی که
خود مترجم و باز سراینده ی سرود
انترناسیونال می باشد، و همچنین پروین
اعتصامی، به نسبت های گوناگون به تضاد
طبقات و بهره کشی از کارگر در شعرهایشان
پرداخته اند، ...

ادامه در صفحه ۴

اطلاعیه شورای نمایندگان احزاب و

سازمان ها و

نیروهای چپ و کمونیست

به مناسبت اول ماه مه روز جهانی

صفحه ۱۲

اطلاعیه کمیته کردستان بمناسبت

(اول ماه مه) روز جهانی کارگر !

صفحه ۱۵

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی . برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

سالی پرچالش در مقابل کارگران و زحمتکشان ایران

یدی شیشوانی

درواقع فراراست فشار بحران اقتصادی و تبعات آزادسازی اقتصادی را همزمان برگرده کارگران و زحمتکشان سرشکن کنند. تعیین حداقل دستمزد کارگران سه برابر کمتر از خط فقر، و افزایش 14 درصدی حقوق معلمان، سردواندن کارگران و عدم پرداخت بموقع حقوق و دستمزد ها، ادامه تعدیل نیروی کار، گسترش شرکت های اجاره دهنده نیروی کار، تلاش در جهت تغییر ماده هائی از قانون کار که تاحدودی به نفع کارگران است، از جمله اقداماتی در این راستا محسوب میگردند. اعمال این سیاست ها درحالی است که با اجرای فاز سوم هدفمندی یارانه ها قیمت کالاهای ضروری مدام رو به افزایش نهاد و عملا به کاهش قدرت خرید حقوق بگیران و به تبع آن به کاهش بازهم بیشتر سطح حداقل دستمزد تعیین شده در آراسفند ماه 93، منجر میگردد. این تعرض آشکار به حقوق و معیشت کارگران و زحمتکشان که با تشدید سرکوب و اختناق، توأم شده است به افزایش نارضایتی و گسترش اعتصابات و اعتراضات دامن زده است. در عین حال فشار اعتراضات از یکسو و درپیش بودن «انتخابات» مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی، شکاف و رقابت بین سران حکومتی و صاحبان قدرت و ثروت را دامن زده و موجب افشاگریهای بیشتر درباره سوء استفاده های کلان مالی و فساد گسترده در دستگاه های مختلف دولتی شده است. ادامه این روند گسترش فضای اعتراضی را موجب شده و امکانات مساعدی برای سازمانیابی و گسترش اعتصابات کارگری و اعتراضات زحمتکشان بوجود آورده است.

تردید نباید داشت که رهبران نظام حاکم تحولات جامعه را مرتب رصد کرده و از چنین تحولاتی در بطن جامعه و چشم انداز آن آگاهند و برای کنترل و مهار اعتصابات و اعتراضات کارگری و توده ای برنامه های معینی را بمورد اجرا گذاشته و خواهند گذاشت. آنها با برنامه ریزی و تعیین تاکتیک های موثر در عرصه تبلیغات، سازماندهی گروه های فشار پنهانی و نیروی سرکوب آشکار و اجرای مانور در میادین و مراکز شهرها، از یکسو و ایجاد ارگانهها و تشکلهای و محافل پنهان و آشکار در درون اجتماعات کارگران و زحمتکشان و نفوذ در تشکلهای موجود، در حال پیش بردن سیاست معینی هستند تا از ژرفش و ارتقای سطح آگاهی و سازمانیابی طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه جلوگیری کنند.

سیاست راهبردی رژیم مبنی بر کنترل و مهار حرکت های اعتراضی و جلوگیری از سازمانیابی و اتحاد و گسترش این جنبش ها در جهت فراروئی به جنبشی سراسری فراگیر و سازمانیافته و بابرنامه و موثر در صحنه سیاسی کشور از جمله اهداف برنامه ای رژیم در اجرای آزادسازی اقتصادی و مقابله و سرکوب جنبش های اجتماعی است. آنها تلاش میکنند با دستگیری و تهدید و توبیخ پیشروان رادیکال و مستقل کارگران از یکسو و با فعال نمودن محافل و تشکل ها و افراد وابسته بخود در درون این جنبش های اعتراضی از سوی دیگر، اجازه ندهند این جنبش های اعتراضی که هر روز گسترده تر میگردند از چهارچوب حرکت ها و اقدامات و اعتراضات تدافعی فراتر رفته و به اقدامات

تعرضی و فراگیر و غیرقابل کنترل فرارویند.

چالشهای موجود بین نیروی کار و سرمایه و توده های عظیم کار و زحمت در برابر حاکمیت زور و سرکوب و تشدید این چالشها در دوره کنونی تحولات سیاسی و اقتصادی ایران در ارتباط با سیاست راهبردی رژیم در سطح منطقه و جهان، موجب شده است تا برنامه های دقیقی در جهت مهار جنبش کارگری و سایر جنبشهای اجتماعی که در نتیجه این تحولات در حال گسترش هستند، تدوین و بمورد اجرا گذاشته شوند. از جمله ارگانههای نظیر خانه کارگر، کانون شوراها، اسلامی کار، برخی محافل و انجمنهای صنفی و تشکل های دست ساز دولت، روزنامه ها و مطبوعات و سایت ها و دیگر وسایل ارتباط جمعی و امامان جمعه و غیره همه توان شان را در نگهداشتن جنبش کارگری در حالت تدافعی بکار گرفته اند. آنها تلاش میکنند با در دست گرفتن هدایت اعتصابات و اعتراضات و نشان دادن همراهی خود با معترضین، سطح معینی از خواست ها و مطالبات را در بوق و کرنا کرده و آن را به حرکت های اعتراضی تحمیل کنند.

این برنامه ریزیها و اجرای دقیق آن توسط حاکمیت مبین این واقعیت است که نارضایتی عمیق کارگران و زحمتکشان جامعه علیرغم تدابیر و سرکوبگریهای حاکمیت سرمایه همچنان رو به گسترش است و عینی بودن این جنبشها و خطر عروج آنها به یک جنبش سراسری و غیرقابل سرکوب، در برنامه ریزی رژیم برای کنترل و مهار و سرکوب آنها بازتاب می یابد. روشن است که اگر امکان و موقعیت گذشته برای رژیم فراهم میبود حتی

اجازه کوچکترین ادامه در صفحه ۱۴

کاهش بهای نفت و موج جدید بیکارسازیها

نوشین شفاهی

در آوردن روسیه بجهت کنترل بازار است. چقدر این دلیل از انگیزه واقعی دور یا نزدیک است صورت واقعی مسئله را تغییر نمی دهد. و آن توجیهی دیگر برای تیره روزی میلیونها کارگر است. البته این واقعیت مسلم است که آمریکا و اساسا سرمایه داری از به نوسان در آوردن قیمتها بعنوان یک ابزار برای پیشبرد سیاستهای اقتدارگرایانه و کنترل کردن رقبایش در بازار استفاده کرده و خواهد کرد. رژیم سعودی هم در طول 30 سال گذشته همواره از سیاست "افت و خیز" قیمت نفت استفاده کرده است که اهداف سیاسی خود را در منطقه پیش ببرد.

عربستان سعودی اوپک را در کنترل دارد و یکی از بزرگترین رقبای بازار نفت آن روسیه است که عضو اوپک نبوده و از حکومت ریاض دستور نمیگیرد. بیشترین سهمی که ریاض در بازار میتواند داشته باشد توسط روسیه ربوده شده است. بویژه در بازار چین، روسیه تامین کننده اصلی نفت و گاز این کشور پر جمعیت است. از طرف دیگر باهم آمریکا و هم سعودی با اسلحه نفت روسیه را در نقشی که در اوکراین دارد و همینطور در ارتباط با حمایتش از رژیم بشار اسد، در جایگاه تدافعی قرار خواهد داد.

جنگ بین این جناحهای سرمایه داری برای تصرف سهم بیشتری از بازار با توسل به سیاست قیمت گذاریهای جدید و یارگیری از کمپ رقیب به نفع خود، فعلا همچنان ادامه دارد. و بنظر هم نمیرسد دستکم این چنگ و دندان نشان دادن امسال به پایان برسد. ولی پیامدهای این سیاست، و اخراج میلیونها کارگر صنعت نفت و دیگر تاسیسات وابسته

دستیابی به کالاهای مورد نیاز توده ها با بهای ارزانتر کمترین حق مردم است آنها در این شرایطی که بیکاری و قدرت خرید طبقه کارگر یک تناسب معکوس دارند. هر محرک سیاسی-اقتصادی در پس پایین آوردن ناگهانی بهای نفت وجود دارد در اینکه مردم بتوانند نفت و بنزین و دیگر فرآورده های نفت و گاز را با قیمتی بخرند که استطاعت آنها داشته باشند یکی از مطالبات بلادرنگ طبقه کارگر است. همانطور که در رابطه با هر کالای ضروری دیگر و مواد غذایی مورد نیاز، این مطالبه را در راس خواسته های فوری اش دارد. ولی نه به بهای از دست دادن شغل و منابع تامین هزینه های معیشتی اش. نه به بهای فقیر سازی بلاانقطاع طبقه کارگر. آثار مخرب بیکاری و فقر روزافزون سامانه زندگی میلیونها انسان را در دنیا هر روزه بکام مرگ می کشاند.

از هر 5 خودکشی که در دنیا اتفاق می افتد یک نفر آن در ارتباط با بیکاری و پیامدهای غیرقابل تحمل آن به زندگی اش پایان میدهد. طبق مطالعه ای که توسط دانشگاه زوریخ تامین شد، تجزیه و تحلیل داده های مرگ و میر از 63 کشور، که توسط سازمان بهداشت جهانی انجام شد، از حدود 233 هزار خودکشی مورد بررسی در حدود 45 هزار یا 20% آن به بیکاری و عواقب بیکارسازی مربوط بوده است. این مطالعه نشان میدهد که بعد از بحران مالی 2008 درصد این خودکشی ها بشکل چشمگیری بالا رفته است.

ولی در رابطه با افت قیمت نفت، بسیاری این را حاصل توطئه آمریکا و سعودی دانسته و اینکه این یک همدستی در بزانو

به آن موقعیت معیشتی-کاری طبقه کارگر را در معرض ویرانی قرار داده است.

سیاست ضد کارگری نرمالیزه کردن بیکارسازی

کابوس بیکارسازیهایی که پیامد سقوط نفت و بخشهای وابسته به این صنعت بوجود آمد، سرطان وار در بسیاری از کشورهای دنیا در حال گسترش است. لیست بخشی از این بیکارسازیهایی که در چندین ماهه اخیر صورت گرفته است، بدین قرار است:

- یکی از این بدترین مناطق آسیب دیده کانادا است. مطابق با گفته آمار کانادا، قریب به 23 هزار کارگر از کار بیکار شده و یا در پروسه بیکارسازی قرار گرفته اند. از سپتامبر سال گذشته تا هم اکنون 13 هزار کارگر در بخش نیروی گاز طبیعی در آلبرتا کارشان را از دست داده اند.

- شرکت خدمات نفتی شلومبرگر که پایگاههای آن در هیوستون و تگزاس امریکاست و همچنین در پاریس فرانسه مقر دارد، اعلام کرد که برنامه انفصال 11 هزار شغل را در دستور کار قرار داده است. و این زمانی است که 9 هزار نفر را در ژانویه امسال قبلا بیکار کرده بود. این کمپانی با این 20 هزار بیکارسازی، 15% از کل نیروی کارش در سطح جهانی را از بین برده است. طبق گزارش این کمپانی به سهامدارانش، سود سه ماهه اول 39% بدلیل کاهش در حفاری نفت و گاز افت پیدا کرده است. در سه ماهه اول سال جاری سود این کمپانی 975 میلیون دلار بوده است و این مبلغ نسبت به 1.6 میلیارد دلار سود در زمان مشابه در سال گذشته پایین تر است. فعالیتهای حفاری این کمپانی در روسیه، برزیل و کلمبیا نیز کاهش داشته است و این پروسه هزارها کارگر دیگر را با خطر

اطلاعیه سازمان بمناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

کارگران مبارز!

اول ماه مه روز تجلی همبستگی جهانی کارگران در راه است. در این روز کارگران سراسر جهان اتحاد و همبستگی جهانی خود را در مقابل سرمایه به نمایش میگذارند. رفقا این روز تاریخی را به شما شادباش میگوئیم.

رفقای کارگر!

کارگران جهان بار دیگر در تدارک روز اول ماه مه هستند. روزی که تجلی اتحاد، مبارزه، مقاومت، تجربه و درس آموزی ارشکست ها و پیروزیها و سرانجام روز حدت بخشیدن به مبارزه متحد علیه سرمایه است. به همین منظور طبقه کارگر در سرتاسر جهان راه پیمائی شورانگیزی را که نیم میلیون کارگر در بیش از یک قرن پیش بر علیه بورژوازی، ارتش و گروه های فشار در آمریکا آغاز کردند، همچنان ادامه میدهند. در سالهای اخیر در نتیجه تشدید بحران سرمایه داری در سراسر جهان فشار اقتصادی و سیاسی به کارگران و تشکلهای کارگری افزایش یافته است. در مقابل این تعرضات کارگران در کشور های مختلف از جمله در ایران نیز به اشکال مختلف به مبارزه و مقاومت ادامه دادند. در سهای این دوران مبارزات نیاز به اتحاد و همبستگی کارگران جهان برای مقابله با تعرضات سرمایه و اتخاذ تاکتیکها و روش های تعرضی بر علیه سرمایه را به مسئله روز تبدیل نموده است. در ایران نیز وضع به همین منوال است. سال گذشته برغم تشدید خفقان و سرکوبگریهای نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، مبارزات کارگران در شکل

اعتصابات، تظاهرات و اشکال دیگر مبارزه بر علیه تعرض بیرحمانه سرمایه داران و دولت سرکوبگر آنها ابعادی گسترده یافت. متعاقب کارگران، زنان، معلمان، پرستاران و خلقهای تحت ستم نیز به میدان آمده و برای تحقق خواست ها و مطالبات خود وارد میدان شدند. روشن است که باتشدید مداوم بحران اقتصادی و تداوم ستمگری و سرکوبگری طبقه حاکم، مبارزات کارگران و زحمتکشان هر چه گسترده تر خواهد شد. هم اینک طلوعه تشدید مبارزه طبقاتی و اعتلای جنبش کارگری در حال دمیدن است. در این پیکار طبقه کارگر نیاز به تشکل، آگاهی طبقاتی و اتحاد صفوف خود علیه سرمایه داری دارد. اول ماه مه فرصتی است که کارگران پیشرو و فعالین کارگری با ارزیابی شرایط مشخص کنونی و چشم انداز آینده برنامه و روشهای موثری را برای طرح مطالبات و اشکال مبارزات خود اتخاذ کنند. اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ایران و منطقه شرایطی را بوجود آورده است که امسال میتوان برگزاری تظاهرات اول ماه مه را بطور گسترده تر از سالهای قبل تدارک دید. اماموفیت و لواندک در این زمینه نیاز به

حداقل انعکاس موثری در ذهنیت توده کارگران برجای بگذارد. از هم اکنون با برگزاری جلسات و مجامع عمومی در کارخانه ها و مراکز کارگری و با انتخاب کمیته های مشترک برگزاری اول ماه مه و تعیین شعارها و مطالبات خود، به پیشواز اول ماه مه برویم. اتخاذ تاکتیک های مناسب در مقابل تعرض احتمالی نیروهای سرکوبگر و سازماندهی و آرایش نیرو در مقابل مراسم های فرمایشی، بردن شعارهای آزادیخواهانه و سوسیالیستی به میان توده کارگران و زحمتکشان، طرح شعارهای استراتژیک و مطالبات اقتصادی و سیاسی فوری کارگران از جمله وظایف ما محسوب می شوند. روز اول ماه مه، شعارهای مطالباتی تمام بخش های کارگری را طرح و خواستار وحدت و تشکل کارگران برای تحقق آنها شویم.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!
زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران سراسر جهان!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران

زنده باد سوسیالیسم
شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

اتحاد صفوف گروه های پیشرو کارگری دارد که عملا درگیر مبارزات روزمره کارگران هستند و از مطالبات اقتصادی و سیاسی آنها اطلاعات دقیق و عینی دارند مطالباتی که بتواند کارگران بیشتری را بسیج کرده و به میدان بیاورد و یا

کار، مسکن، آزادی!

تراکت شماره ۱
بمناسبت اول ماه مه

کارگران پیشرو!
هر چند که تبلیغ و ترویج خواسته های توده کارگران و طرح شعارهای انقلابی در سبب کارگران یک ضرورت حتمی است، اما کافی نیست. باید در جریان مبارزات روزمره انجمن تاکتیک هائی را اتخاذ نمود که بتواند حرکت های پراکنده کارگری را به یکدیگر پیوند بزند. و با سازمان دادن و متشکل کردن مبارزات کنونی آنان که بطور عینی جریان دارد. طبقه کارگر را به سلاح تشکل مجهز نموده و آنها را برای نبرد های سرنوشت ساز آینده آماده نماید.

زنده باد سوسیالیسم!

تشدید بحران اقتصادی. معضل بیکاری را وارد

فاز جدیدی نموده است. دیدی شیشوانی

خود از جمله تولیدات صنعتی، تجارت، ساختمان، کشاورزی و غیره قادر به تحقق خود اش نمیشود و دولت نیز قادر نمیشود همچون گذشته تعادل لازم در بازار کار را بوجود آورد و بیکاری را کنترل کند. بنابراین نشانه های بحران عمیق، تورم و رشکستگی، فساد، ارتشاء، دزدی در طبقه حاکم و لایه های بالای دستگاه دولتی به اوج میرسد. از طرف دیگر ناهنجاریهای اجتماعی، بی خانمانی، حاشیه نشینی و بیکاری و فقر و فلاکت در میان طبقات محروم گسترش یافته و بتدریج شورشهای اجتماعی در اعتراض به وضعیت موجود رخ مینمایند.

معضل بیکاری وارد فاز جدید شده است

اکنون معضل بیکاری در ایران وارد چنین فازی شده است. برغم ادعاهای دولت مبنی بر مهار تورم و رشد اقتصادی 5/1 درصدی، اما زندگی واقعی توده های مردم و اوضاع اقتصادی اجتماعی بیشتر بر تعمیق و تداوم بحران صحنه میگذارد تا فروکش آن، بقول یکی از نمایندگان مجلس «بازی دولت ها با آمار مثل پوست خربزه زیر پایشان است. یعنی آمارهای اعلام شده توسط منابع دولتی و بانگ مرکزی یا اداره آمار بقدری متناقض هستند که در اصل نمیتوان یقین حاصل کرد که کدام یک به حقیقت نزدیک است. همین نماینده مدعی است که: تا قبل از سال 90 میانگین رشد اقتصادی حدود پنج درصد بوده که البته این رشد کمک چندانی به مساله بیکاری نکرده است. ترکیب رشد در این دوره به گونه ای بود که از کیفیت لازم برای اشتغالزایی

و از این طریق بسیاری از اعتصابات و اعتراضات را با شکست روبرو میسازند... برکسی پوشیده نیست و مادامی که نظام سرمایه داری پابرجا است لشگر بیکاران هم وجود خواهد داشت و در این نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی راه حل قطعی بر آن متصور نیست. اما با توجه به اینکه در این نظام نیروی کار خود به کالا تبدیل شده و تابع بازار کار و کارکرد عرضه و تقاضا است، لذا نوسانات بازار و تناقضات نظام سرمایه داری در سطح بیکاری تاثیر مستقیم میگذارد. گاهی در نتیجه رونق اقتصاد سطح بیکاری کاهش مییابد و گاه همزمان با رکود اقتصادی سطح بیکاری نیز بشدت بالا میرود. البته عوامل دیگری نظیر رشد و تکامل ابزار تولید و تغییر ترکیب ارگانیک سرمایه و نظیر اینها به ابعاد بیکاری میافزاید. در تمام این مراحل دولت تلاش میکند به طرق مختلف تعادل در بازار کار را حفظ کند و مشکل بیکاری را از طریق ایجاد مشاغل کاذب و یا سیستم های بیمه و غیره کنترل کند.

اما گاه بحران اقتصادی و اختلال در کارکرد تولید، به سطحی میرسد که دیگر ابعاد بیکاری از حد مجاز آن که برای سرمایه داری قابل کنترل باشد و بازار را به رکود نکشاند و در نتیجه به رکود اقتصادی و شورش های اجتماعی دامن نزند، میگذرد. تاثیرات آن نه تنها به گسترش فقر و فلاکت طبقه کارگر و سایر محرومان جامعه دامن میزند بلکه این بیکاری وسیع قدرت خرید در بازار را به شدت پائین میآورد و سرمایه در اشکال مختلف کارکرد

برخوردار نبوده است. «به زبان ساده یعنی رشد اقتصادی حتی در سطح 5 درصد نیز بواسطه غیرمولد بودن و حبابی بودن این رشد تاثیری در افزایش اشتغال و کاهش بیکاری نداشته است. رییس مرکز پژوهش های مجلس عنوان در این باره به فاکت زیر اشاره میکند و میگوید: «طی این سال ها هر یک درصد رشد اقتصادی به طور خالص کمتر از 30 هزار شغل ایجاد کرده است، در صورت تحقق رشد اقتصادی با کمیت و کیفیت این دوره در سال 1400 اقتصاد با حدود پنج میلیون بیکار مواجه خواهد بود.» با این محاسبه جناب نماینده بنا به پیشبینی دولت روحانی اگر قرار باشد اقتصاد ایران در سال 94 بارشده 5/1 درصدی مواجه باشد. تازه در آن صورت مابالاجد فقط 45 هزار شغل جدید مواجه خواهیم بود که در برابر خیل عظیم بیکاران کنونی و سالیانه نزدیک به 400 هزار نیروی کار آماده به ورود به بازار کار رقم بسیار کوچکی محسوب میشود. و حکایت از افزایش معضل بیکاری و بحرانهای پی آمد آن دارد.

کاهش قیمت نفت و تاثیر آن بر افزایش بیکاری

مطالعات نشان می دهد تشکیل سرمایه در اقتصاد ایران متکی به درآمدهای نفتی بوده است در ماه های اخیر افت یکباره قیمت نفت دولت را باکسری بودجه مواجه کرده است. در همین رابطه وزیر امور اقتصادی و دارایی مسئله سقوط قیمت نفت را جنگی خطرتر از جنگ هشت ساله ایران و عراق دانسته و میگوید: اکنون در شرایط خطیری هستیم و قیمت نفت از 105 دلار به 40 دلار کاهش یافته و برای حل این مشکل نیازمند اراده جدی و هماهنگی هستیم. جنگی که امروز

درباره تفاهم نامه هسته ای

جمهوری اسلامی قبول قراردادی است که سابق براین مدعی بودند که چنین قراردادی را نخواهند پذیرفت. طبق سند منتشره در مطبوعات، طبق این تفاهمنامه جمهوری میباید

«میزان عظیمی از ذخیره اورانیومهای غنی شده خود را از بین ببرد. - اورانیوم را بالاتر از ۴ درصد غنی نکند و این کار تنها در نطنز صورت گیرد. - از فردو برای غنی سازی دیگر استفاده نشود.

- تنها حدود ۵۰۰۰ سانتریفوز نسل اول از ۲۰۰۰۰ فعلی بکار غنی سازی ادامه دهند.

- پروتکل الحاقی و کد اصلاحی ۳,۱ را اجرا کند. فعالیتهای هسته ای ایران در

مواردی بمدت ۲۵ سال تحت نظر قرار می گیرند و بعد از انهم ایران حق ندارد از

پروتکل الحاقی خارج شود. - کنترل فعالیت های هسته ای ایران، ۱۰

ساله و ۱۵ ساله و ۲۰ ساله و ۲۵ ساله و دائمی خواهد بود.

- در عوض تحریمهای سازمان ملل از تیرماه بتدریج برداشته می شوند و

تحریمهای امریکانیز بتدریج معلق خواهد شد. - تحریمهایی که مربوط به موشکهای

بالیستیکی است باقی می ماند. - و بر خلاف ادعای هیات مذاکره کننده

ایرانی مبنی بر اینکه: "در روز اول اجرای توافق همه ی تحریمهای اقتصادی برداشته

می شود" طبق ادعای طرف مقابل، همه تحریمها برداشته نمیشوند بلکه آنها به حالت

تعلیق درمیآیند تا در هر موردی راستی آزمائی انجام گیرد:

تحریمهای وضع شده از طرف سازمان ملل متحد لغو نمیشوند بلکه به حال تعلیق در

میآیند. جمهوری اسلامی از ارائه اطلاعات دقیق و جزئیات این تفاهمنامه تاکنون امتناع ورزیده است اما اطلاعات اندکی که از مفاد تفاهمنامه منتشر شده است و ما در بالا به پاره ای از آنها اشاره کردیم، نشان دهنده این واقعیت است که رهبران جمهوری اسلامی از مواضع قبلی خود کاملاً عقب نشینی کرده اند. آنها تاکنون تنها با بحران سازهایی خود و بزرگ نمائی مسئله هسته ای در سطح یک مسئله ملی و... میلیاردها دلار از ثروت ملی و دسترنج توده های کارگر و زحمتکش را به کام مافیای قدرت ثروت سراریز کرده ند درحالیکه فقر و ناداری، بیکاری، گرانی و عدم پرداخت حقوق و دستمزد کارگران را با تحریمات اقتصادی و خطر جنگ توجیه میکردند، درسایه تحریمها، و تشدید جو رعب و خفقان با بهانه «مقابله با شیطان بزرگ و صیانت از منافع ملی» «سرمایه سالاران و مافیای قدرت و ثروت از طریق رانت خواری، قاچاق، احتکار و گرانیفروشی کالاهای ضروری، ارتشاه و فساد میلیارد ها دلار به ثروت های خود افزودند. و اینک بعد از تحمیل این همه هزینه گزاف بردوش توده های مردم، در واقع امر به نقطه آغاز فعالیت هسته ای خود باز گشته است.

این که این تفاهم نامه سرانجام به یک توافق جامع خواهد انجامید یا نه؟ درباره آن حرف وحدیث فراوان است. جمهوری اسلامی برغم عقب نشینی های بسیار از ادعاهای و مواضع قبلی خود، اما فشار اقتصادی و مشکلات داخلی از یکسو و تحولات منطقه از سوی دیگر سران جمهوری اسلامی را به تعبیری به سرکشیدن جام زهر دیگری مجبور کرد. اما اینکه عقب نشینی جمهوری اسلامی از ادعاهای و مواضع قبلی خود درباره برنامه هسته ای، تاچه حدی در سایر مسائل مورد

اختلاف در منطقه با دول غربی علی الخصوص آمریکا هماهنگ خواهد شد، امری است که حوادث آینده به آن پاسخ خواهد داد.

آنچه مسلم است در حال حاضر عقب نشینی جمهوری اسلامی خطر فوری جنگ و استفاده از بحران هسته ای برای منکوب کردن اعتراضات مردم به وضع موجود را از دست آنها گرفته است و احتمال برداشته شدن بخش قلیلی از تحریمات هم باز نگرانی مردم را از این بابت کم خواهد کرد و فشار اقتصادی به بهانه تحریمات را بی اثر خواهد کرد. صد البته نباید دچار توهم شد که گویا بابر داشته شدن بخشی از تحریمات و یا حتی برداشته شدن همه تحریمات مشکلات اقتصادی و سیاسی مردم حل خواهد شد. چرا که قبل از برقراری این تحریمها نیز وضعیت مردم بهتر از این نبود.

سازمان ما از ابتدا مخالفت صریح خود را با اعمال تحریمها که دود آن به چشم مردم زحمتکش میرفت اعلام کرد و اقدامات احتمالی نظامی را محکوم نمود. بنابراین از اینکه فعلاً با امضای این تفاهمنامه سایه احتمال اقدام از روی سر مردم به کنار رفته و یا کم رنگ شده است و برخی از تحریمها برداشته میشود این را به نفع توسعه مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه توده زحمتکش مردم ایران میدانیم و امید داریم توافق هسته ای برای مبارزات توده های زحمتکش مردم موقعیت مناسب تری را بوجود بیاورد. ثابتوانند با عزمی راسخ و اراده ای خلل ناپذیر به مبارزات شان جهت رسیدن به آزادی، برابری و سوسیالیسم که تنها راه پایان دادن به ستم و استعمار و زور و سرکوب در جامعه است، ادامه دهند.

نگاهی گذرا به چهره‌ی کارگر در ادبیات

معاصر فارسی

احسان حقیقی نژاد

حضور و پرداخت کارگر در ادبیات فارسی مقارن با جنبش مشروطه است. نسیم شمال، فرخی یزدی، عشقی و همچنین لاهوتی که خود مترجم و باز سراینده‌ی سرود انترناسیونال می‌باشد، و همچنین پروین اعتصامی، به نسبت‌های گوناگون به تضاد طبقات و بهره‌کشی از کارگر در شعرهایشان پرداخته‌اند، در این میان فرخی یزدی و لاهوتی درک عمیق تری از ماتریالیست دیالکتیک دارند و مضامینی که می‌آفرینند، از لحاظ ائیدولوژی پربرتر است. اما چیزی که در میان این همه مشترک است این است که همواره در همه‌ی شعرهای اینان کارگر بصورت یک کل و مجموعه معرفی می‌شود:

آنچه را با کارگر سرمایه داری می‌کند
با کبوتر پنجه‌ی باز شکاری می‌کند
می‌برد از دسترنجش گنج اگر سرمایه دار
بهر قتلش از چه دیگر پافشاری می‌کند
فرخی یزدی

توده را با جنگ صنفی آشنا باید نمود
کشمکش را بر سر فقر و غنا باید نمود
در صف حزب فقیران اغنیا کردند جای
این دو صف را کاملا از هم جدا باید نمود
این بنای کهنه پوسیده و ویران گشته است
جای آن با طرح نو از نو بنا باید نمود
تا مگر عدل و تساوی در جهان مجری شود
انقلابی سخت در دنیا به پا باید نمود
مسکنت را محو باید کرد بین شیخ و شاب
معدلت را شامل شاه و گدا باید نمود
از حصیر شیخ آید دم به دم بوی ریا
چاره‌ی آن با باریا و بوریا باید نمود
فرخی بی‌ترک جان گفتن در این ره پا منه

زانکه در اول قدم جان را فدا باید نمود
فرخی یزدی.
تا به کی جان کندن اندر آفتاب ای رنجبر
ریختن از بهر نان از چهره آب ای رنجبر
زین همه خواری که بینی ز آفتاب و خاک و باد
چیست مزدت جز نکوهش با عتاب ای رنجبر
.....
پروین اعتصامی.

و...
و دیگر اینکه خطابش به سوی توده‌ی کار و زحمت است در جهت تشویق و سوق دادن به انقلاب.
در تمامی اشعار این گروه، کارگر چهره‌ی فردی ندارد و زوایای زندگی اش پرداخت نمی‌شود. این روند ادامه می‌یابد تا به پدر شعر نو فارسی می‌رسیم. کارگر و انسان طبقه‌ی فرودست در شعر نیما با چهره‌ی ای واضح و ملموس روایت می‌شود. چهره‌ی ای که اگر چه می‌تواند بیانگر تیپ شخصیتی افرادی از طبقه‌ی خودش باشد اما فردیت و حضوری زنده هم دارد. می‌توان در این میان به شعر «کار شب پا» اشاره کرد:

ماه می‌تابد، رود ست آرام

بر سیرشاخه‌ی «اوجا» «تیرنگ»

دم بی‌لویخته در خواب فرورفته، ولی
در «آئیش»

کار «شب پا» نه هنوزست تمام.

در اینجا کارگر هم حرف می‌زند. او تنها مخاطب و در پیکره‌ی کلی نیست بلکه زبانی دارد و رنجی که در شعر نیما این مجال را دارد که خودش را بسراید:

خواب آلوده به چشمان خسته

هر دمی با خود می‌گوید باز:

«چه شب مودی و گرمی و دراز!

تازه مرده ست زخم

گرسنه مانده دوتائی بچه هام

نیست در «کپه» ای ما مشت برنج

بکنم با چه زبانشان آرام؟...»

«چه شب مودی و گرمی و سوج»

بچگانم زره خواب نگشتند بدر

چقدر شب‌ها می‌گفتمشان:

خواب، شیطان زدگان، لیک امشب

خواب هستند، یقین می‌دانند

خسته مانده ست پدر

بس که او رفته و بس آمده در پاهایش

قوتی نیست دگر. «

حضورش در شعر چون مخاطبی بی‌چهره نیست. که باید حرف شنو باشد و چنین و چنان کند. بلکه با تمام هستی و چهره‌ی ملموس و زنده‌ی خویش حضور دارد:

می‌کند بار دگر دورش از موضع کار

فکرت زاده‌ی مهر پدري

او که تا صبح به چشم بیدار

«بینج» «باید پاید تا حاصل آن

بخورد در دل راحت، دگری.

این چهره‌ی پرداخت شده از انسان زحمتکش در ادبیات داستانی سیاسی رفته رفته با مبارز سیاسی آمیخته می‌شود، یعنی رنج انسان رفته رفته وی را به آگاهی طبقاتی در بستر تحولات اجتماعی می‌کشاند و او برای تغییر سرنوشت خویش دست به عمل سیاسی می‌زند، کارگران شرکت نفت در رمان «همسایه‌ها» اثر احمد محمود این چهره را نشان می‌دهند و همچنین شخصیت‌های کارگر و زحمتکش در داستان‌های کوتاه علی‌اشرف درویشیان و همچنین رمان «سال‌های ابری» و یا در منظومه‌ی

ادامه در صفحه ۱۴

تشدید بحران اقتصادی، معضل بیکاری را وارد فاز جدیدی نموده است...

شروع شده از جنگ تحمیلی بدتر است، بنا به گفته وی بودجه ارائه شده به مجلس درحالی بر مبنای 72 دلار برای هربشکه نفت بسته شده است که هم اکنون بفت بشکه ای به 40 دلار سقوط کرده است «روشن است که با سقوط قیمت نفت در بازارهای جهانی و پائین آمدن درآمد ایران از صادرات نفت، دولت مجبور است بخشی از کسری بودجه را از طریق حذف و یا مسکوت گذاشتن طرح های عمرانی و یا در بخش سرمایه گذاری در بخش تولید و کسب و کار و در نهایت زدن از حقوق و مزایای مستخدمین دولتی و غیره جبران کند. بدین ترتیب بیش از همه دامنه طرح های اشتغالزا محدود تر خواهند شد. چرا که نه دولت میخواهد و نه میتواند از بودجه دستگاه های نظامی و امنیتی و نهاد های مختلف مذهبی بکاهد. امسال بودجه این نهاد ها نه تنها کاسته نشده است بلکه در طرح بوجه سال 94 نیز از افزایش چشم گیری برخوردار شده اند. لذا ناتوانی دولت در تامین بودجه طرح های عمرانی و اشتغالزا و تعطیلی بسیاری از آنها، طرح ها و قول و قرارهای دولت برای ایجاد مشاغل جدید را زیر سؤال می برد. بطوری که هم اکنون بسیاری از صنایع و کارخانه ها و طرح های عمرانی در حال تعطیل بوده و یا اساسا قادر به پرداخت بموقع حقوق کارگران و کارکنان خود نیستند و اخراج ها و بیکار سازیها در ابعاد گسترده ای ادامه دارد. این درحالی است که هر سال میلیونها نفر جویای کار وارد بازار کار میشوند بدون اینکه چشم اندازی برای یافتن مشاغل مناسب وجود داشته باشد. به گفته معاون وزیر کار 5.3 «میلیون تحصیل

کرده دانشگاهی جزو 41 میلیون جمعیت غیر فعال کشور «در آستانه ورود به بازار کار هستند. وزیر کار نیز به خطرات ناشی از افزایش بیکاری که همچون آتش زیر خاکستر در اوضاع بحرانی ایران میماند اعتراف کرده و کوشزد میکند که: «ورود دانش آموخته ها به جمعیت بیکار، خطری است که در آینده نزدیک کشور را تهدید می کند.»

ورشکستگی کشاورزان و رواج حاشیه

نشینی در شهرهای بزرگ

علاوه بر اینها در سالهای اخیر بدلیل چپاول دسترنج کشاورزان توسط دلالها و سرمایه داران، بانکها و ناتوانی محصولات کشاورزی داخلی در رقابت با محصولات وارداتی ارزان قیمت، بیشتر کشاورزان ورشکسته شده و برای یافتن کار و ممر درآمدی روانه شهرهای میشوند این امر حاشیه نشینی در شهر های بزرگ کشور را به یکی دیگر از معضلات لاینحل در نظام سرمایه داری ایران تبدیل نموده است که میشود گفت حاشیه شهرها بزرگترین اجتماع بیکاران و بیکار شده ها محسوب میشوند که از طریق مشاغل کاذب امروز را به فردا میرسانند. معاون وزیر کار ضمن اعتراف به معضل حاشیه نشینی و مهاجرت روستائیان به شهر هادر باره فرایند بیکاری میگوید: بر اساس آمارهای سال 90 جمعیت کشور حدود 74 میلیون نفر بوده که نزدیک به 63 میلیون نفر از این تعداد بالای 10 سال سن و در شرایط کار قرار داشته اند. وی ادامه داد: این میزان جمعیت فعال را می توان به شرایط فعلی کشور نیز تعمیم داد چون آمارهای کنونی نیز تفاوتی با 3 سال گذشته ندارند. جمعیت مشمول سن کار به دو

دسته فعال و غیر فعال تقسیم می شوند که 23 میلیون نفر جزو جمعیت فعال و نزدیک به 41 میلیون نفر نیز جمعیت غیر فعال کشور هستند. معاون وزیر تعاون، کار و رفاه ادامه میدهد: 5,3 میلیون نفر از جمعیت غیر فعال کشور بر اساس آمار سال 90 دارای تحصیلات عالی دانشگاهی هستند و از میان 23 میلیون جمعیت فعال کشور نیز هم اکنون حدود 3 میلیون نفر بیکارند. «تا اینجاطبق این آمار رسمی یعنی 33/5+ میلیون میشود 3/8 میلیون بیکار برای سال 92 محاسبه شده است باز نگاهی به وضعیت افراد شاغل و فعال مشخص میشود که بخش زیادی از این آمارها قابل اتکا نیستند، مثلا در سال 91 مرکز پژوهش ها نرخ رشد را منفی 5/3، مرکز آمار منفی 4/5 و بانک مرکزی منفی 8/5 گزارش کرده اند. در مورد رشد اقتصادی سال جاری مرکز آمار یک درصد و بانک مرکزی 6/4 درصد گزارش داد لذا آمارهای رسمی بویژه در حوزه اقتصاد و اشتغال قابل اعتماد نیستند هر چند که غیر از آمارهای اعلام شده توسط دستگاه های دولتی به منابع مستقل دیگری دسترسی نیست.

طبق بررسی های بانک مرکزی ۲۴ درصد خانوارهای ایرانی بدون هیچ فرد شاغل، معادل ۵۷ درصد دارای یک نفر شاغل، 5/15 درصد دارای دو نفر شاغل و 5/3 درصد دارای سه نفر شاغل و بیشتر بوده اند. بر اساس نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران در سال 92، درصد خانوارهای بدون فرد شاغل و با سه نفر شاغل در مقایسه با سال 91 بیشتر و درصد خانوارهای با یک و دو نفر شاغل کاهش یافته است. نتایج این بررسی

تشدید بحران اقتصادی، معضل بیکاری را وارد فاز جدیدی نموده است...

گویای آن است که در بین افراد شش ساله و بیشتر خانوارها 6/30 درصد شاغل، 1/4 درصد بیکار، 4/10 درصد با درآمد بدون کار، 2/23 محصل، 4/27 درصد خانه‌دار و 3/4 درصد متعلق به سایر گروه‌ها بوده‌اند. طبق یافته‌های فوق سهم افراد شاغل و محصل در مقایسه با سال قبل کاهش و سهم افراد بیکار و با درآمد بدون کار افزایش داشته است.

زنان قربانیان اولیه بحران بیکاری
بررسی مزبور نشان می‌دهد که زنان بیشترین تعداد بیکاران را تشکیل می‌دهند یعنی بیشترین بار بحران اقتصادی در زمینه بیکاری زنان را شامل می‌شود که نه تنها از مشاغل خودرانده شده و به سمت خانه‌داری و مشاغل خانگی سوق یافته‌اند بلکه عوارض اجتماعی ناشی از آنرا نیز متحمل می‌گردند.

آمارهای منتشره توسط مرکز آمار ایران نرخ بیکاری زنان 2 تا 25 ساله در مناطق شهری را 54 درصد اعلام کرده است این آمار در مناطق روستائی 24 درصد ذکر شده است. تازه بخش مهمی از زنان بواسطه کاردر کارگاه‌های خانگی و یا در مزارع، حتی اگر در هفته 2 ساعت هم شاغل بوده باشند جزء آمار بیکاری به حساب نیامده‌اند. در استانها محروم این آمارها تکانه‌دهنده هستند. در استانهای لرستان، کرمانشاهان و زنجان نرخ بیکاری زنان 80 درصد ذکر شده است. اندیشک 54 درصد اردکان 52 درصد بلوچستان 53 درصد، انزلی 45 درصد، مسجد سلیمان 57 درصد نمونه هائی است از وضعیت وخامت بار افزایش بیکاری در میان زنان که تبعات ویران کننده ای بر زندگی و معیشت خانواده و فشارهای

زاید الوصف اقتصادی و اجتماعی بر روی زنان دارد. طبق آمارهای دولتی، بواسطه تشدید بحران اقتصادی در سال گذشته 553 هزارتن از زنان از چرخه فعالیت‌های اقتصادی خارج شده‌اند.

اتکا به مالیاتها حتی راه حل موقتی هم نیست علی‌طینیا وزیر امور اقتصادی و دارایی با بیان اینکه «ارقام لایحه بودجه به علت کاهش قیمت نفت بسیار کم شده است، تصریح کرد: امکان مانور روی ارز برای دولت مشکل است؛ اما روی ریال از طریق گمرک و مالیات مشکلی نداریم؛ بنابراین با توجه به وضعیت بودجه، حقوق کارمندان را نمی‌توانیم افزایش زیادی دهیم.» این اظهارات پیش درآمدی بود برای تحمیل حداقل دستمزد سه برابر پائین تراز خط فقری که خودشان اعلام کرده‌اند. و اما دولت روحانی برای جبران کسری بودجه و رفع نگرانی مردم بویژه حقوق بگیران برای اینکه بگوید اگر بر حقوق دستمزد هایشان اضافه نمی‌شود حد اقل حقوق پایه شان سر جای خودش هست و مشاغل شان را از دست نخواهند داد و نیز برای بیکاران بویژه جوانان اعلام کرده است که دولت از طریق مالیات‌ها و گمرکات این کسری بودجه را جبران خواهد.

در حالیکه اولاً مالیات دهندگان عمدتاً حقوق بگیران هستند و در اقتصاد ایران مافیای قدرت و ثروت و نهادهای مذهبی و شرکت‌های بزرگ و ابسطه به نهادهای نظامی و امنیتی و نیز موسسات بزرگ مالی و صنعتی که امروزه به انحصارات عظیم تبدیل شده‌اند به نحوی از مالیات معاف هستند و یا با هزارویک طرفند از پرداخت

مالیات طفره می‌روند. از طرفی جمع آوری بخش مهمی از مالیات پیشبینی شده در بودجه تنظیمی سالیانه هم خود منوط به درآمد نفت طبق پیشبینی قیمت آن در بودجه است. در صورتیکه این پیشبینی غلط از آب دربیاید آنگاه بیشتر طرح‌های عمرانی و سرمایه‌گذاریها در بخش تولید و تجارت و خدمات و همچنین طرح‌های اشتغالزای نیز طبق پیشبینی تنظیم کنندگان بودجه عملی نخواهد شد، بنا بر این حقوق بگیران و اقشار محروم جامعه قربانیان اصلی خواهند بود. چنانکه از حالا دولت بر سر تعیین دست مزد‌ها اختاریه صادر کرده است که به خاطر سقوط قیمت نفت کارمندان و کارگران نباید انتظار افزایش دستمزد‌ها طبق روال گذشته را داشته باشند.



سوسیالیسم و کمونیسم نه محصول تخیلات بشر دوستانه بوده و نه مفاهیم و مقولاتی مقدس هستند که در رویاهای مصلحین اجتماعی و در آرزوهای خام انسانهای ناتوان در برابر اتفاقات و حوادث تاریخی و طبیعی شکل گرفته باشند. کمونیسم محصول جامعه سرمایه داری مدرن و نتیجه جدال دو طبقه متضاد اجتماعیست: طبقه کارگر و طبقه سرمایه داری که دو طبقه اصلی جامعه سرمایه داری معاصر را تشکیل می‌دهند.

تشدید بحران اقتصادی، معضل بیکاری را وارد فاز جدیدی نموده است...

شواحد و قرائن نشاندهنده آن است که باتوجه به ناتوانی دولت و ساختار اقتصادبحران زده ایران برای تامین حداقل سالیانه یک ملیون شغل جدید برای جویندگان جوان کار، تداوم بسته شدن کارخانه ها خوابیدن طرح های عمرانی و اشتغال زا و رشکستگی روستائیان و هجوم آنها به بازار کار بیکارسازیهای وسیع همه و همه مبین آن است که بیکاری امروزه به یکی از چالشهای مهم در ایران تبدیل شده است. بویژه برای نسل جوان جویای کار که ماهیانه ده ها هزار نفر وارد بازار کار میشوند امیدی چندانی نیست. عادل آذر، رییس مرکز آمار ایران میگوید: استانداردها اینگونه میگویند هرگاه نرخ بیکاری جوانان، حداقل دو برابر نرخ بیکاری کلی بود (نرخ بیکاری کلی، 15 تا 64 سال است) شما به نقطه بحران رسیده اید که در حال حاضر ما در چنین وضعیتی قرار داریم. البته در یک زمانی این رقم تا 5/2 برابر هم افزایش پیدا کرد اما اکنون در دو برابر نرخ بیکاری کلی قرار داریم.. مرکز آمار ایران در آخرین گزارش خود، نرخ بیکاری در میان جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله کشور را در فصل پاییز ۲۵،۷ درصد و نرخ بیکاری در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله را ۲۱،۸ درصد اعلام کرده است. چه باید کرد

بیکاری پدیده ای است همزاد سرمایه داری و نظام سرمایه داری پابرجا است معضل بیکاری هم همچون سایر تبعات آن وجود خواهد داشت و این تصور که باوجود نظام سرمایه داری میشود به بیکاری خاتمه داد تصویری است باطل و توهمی است غیر عقلانی. بیکاری زمانی به تاریخ خواهد پیوست و بشریت از شر آن خلاص خواهد شد

که طبقه آگاه و متشکل کارگران این نظام را به زیرکشیده و بابرقراری سوسیالیسم به معضل بیکاری نیز نظیر سایر ستمگری های سرمایه پایان دهند. اما تازمان برقراری سوسیالیسم نمیتوان نشست و منتظر معجزه زمان شد. بلکه باید بامبارزه روزمره با ستم و استثمار سرمایه داری، از جمله پدیده بیکاری، مقابل تعرضات سرمایه ایستاد و برای بهبود شرایط زندگی، که خود مکتب آموزش نیروهای کار علیه سرمایه نیز هست، تلاش کرد.

معضل تشکل بیکاران

بیکاری پدیده ای است همواره در حال نوسان، بسته به وضعیت اقتصادی و سطح تامینات اجتماعی و شمولیت آنها، گاه به پدیده ای طغیانگر تبدیل شده و کلید شورشهای اتماعی را میزند و گاه به پدیده ای خاموش و فراموش شده و حاشیه ای تبدیل میشود. تجمعات و تشکلات بیکاری نیز متأثر از سیالیت آن نمیتواند از تشکیلات پردوام و اتحاد دائمی عناصر تشکل دهنده آن همچون کارگران شاغل، برخوردار باشد. از این رو برغم تلاش برخی پیشروان کارگری، چه در داخل کشور و چه در سطح جهان مآشاهد وجود تشکیلات های بادوام بیکاران نبوده ایم. از این رو در تعیین فرم های تشکیلاتی و اشکال و روش مبارزاتی بر علیه بیکاری و بمنظور متشکل کردن و متحد نمودن آنها در مقابل تعرضات سرمایه با ید روش های معین منطبق با وضعیت عمومی بیکاری و بیکارسازیها، اتخاذ نمود که بتواند عملا به بسیج آنها حول اهداف ملموس و معینی یاری رساند. متشکل نمودن بیکاران در کمیته ها و سازمانهای محلی بویژه در محلات

فقیر نشین و حاشیه شهرها بر اساس مطالبات اقتصادی و سیاسی کارگران و زحمتکشان این محلات، یکی از روشهایی است که میتواند مبارزه علیه بیکاری را با خواست های توده های زحمتکش محلات تلفیق کرده و به ظهور جنبشهای اجتماعی قدرتمند یاری رساند.

در ادامه اشکال و وظایف و مطالبات این تشکلهای مورد بررسی بیشتر قرار خواهند گرفت.

یدی شیشوانی اسفند 1393

*** ایران به یک تحول اساسی در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیازمند است که تنها از طریق یک انقلاب اجتماعی بر علیه سیادت سیاسی و اقتصادی اقلیت محدود جامعه ممکن و قابل تحقق است.**

*** اولین گام در این راه، سرنگونی جمهوری اسلامی، انهدام ماشین دولتی و دستگاههای مقتدر اداری و نظامی بورژوازی و برقراری نظامی فدراتیو و شورانیست که در آن اکثریت مردم از فرهنگها و ملیتهای مختلف برای اولین بار به دخالت در زندگانی خود می پردازند و برای ساختن آگاهانه جامعه ای که در آن از استثمار انسان بوسیله انسان، از تبعیض جنسی و نژادی، از سرکوب، زندان، شکنجه، اعدام و از بیکاری، بی مسکنی، فقر و تبعیض جنسی، از انهدام محیط زیست و... خبری نباشد. اقدام می کنند.**

*** سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، واژگونی جمهوری اسلامی بمشابه برجسته ترین تکیه گاه نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و سر سخت ترین دشمن آزادی طبقه کارگر و جایگزینی آن توسط جمهوری فدراتیو شورایی را وظیفه عاجل خود می داند.**

کاهش بهای نفت و موج جدید بیکارسازیها ...

بیکارسازی قریب الوقوعی مواجه کرده است.

به گزارش اداره نیروی کار آمریکا، تعداد کارگرانی که مستقیماً در بخش نفت و گاز کار میکنند به 3 هزار نفر کاهش پیدا کرده است در حالیکه این تعداد تا اکتبر سال گذشته، بیشتر از 200 هزار کارگر بوده است. تعداد کارگران شاغل در بخشهای وسیعتری که در ارتباط با نفت و گاز است به 12 هزار نفر کاهش یافته است و این تعداد کارگران در این بخش تا سپتامبر سال 2014 نزدیک به 340 هزار کارگر بوده است.

تاثیر رکود در حفاری نفت به بخش صنفت فولاد آمریکا نیز رسیده است. ماه گذشته فولاد آمریکا اعلام کرد که بالغ بر 2 هزار کارگر را بیکار کرده است. این بیکارسازیها همچنان سیر صعودی دارد. - به گفته وزارت کار روسیه، تعداد افراد بیکار 3.4 درصد افزایش پیدا کرده است. در ماه ژانویه امسال در طی یک هفته 30 هزار نفر بیکار گشته اند. بیشترین بیکارسازی که در مقیاس بزرگتری در حال وقوع است، در منطقه چلیابینسک- منطقه صنعتی واقع در 1100 مایلی مسکو- در حال اتفاق است. 82 درصد از کارگران کارخانه تراکتورسازی به جمعیت بیکارهای روسیه می پیوندند. همینطور کارگران کارخانه ولوو در منطقه کالوگا در جنوب غربی مسکو در خطر 30 درصدی کاهش اشتغال بسر می برند.

در ایران اما از طرف دولت آمار دقیقی نسبت به وخامت تاثیرات این سیاست، رو به بیرون اعلام نشده است. ولی درآمدهای نفتی در ایران نقش محوری را در بودجه دولت و کل اقتصاد ایران بازی می کند. نتیجتاً افت

قیمت نفت اقتصاد درهم شکسته رژیم را شدیداً بحرانی تر می کند. و این بدنبال تحریمهای چند سال گذشته که علیه صادرات نفت به اجرا در آمده است به فعالیتهای تولیدی و تجاری ایران آسیبهای جدیتری وارد خواهد کرد و بار منفی رشد اقتصادی ایران را افزایش میدهد. اقتصاد فلج و راکد و رژیم غارتگر اسلامی ایران که میلیونها کارگر را از هستی ساقط کرده است، برای جبران کسری بودجه اش قطعاً بیکاری صدها هزار کارگر دیگر و دستبرد بیشتری به سفره توده های محروم را در دستور کار خود قرار داده است.

ایران حداقل به \$140 بابت هر بشکه نفت برای تراز بودجه اش نیاز دارد. تنزل این قیمت به 1/3 آن یکی از اهرمهای فشار از طرف آمریکا بود که رژیم را در موقعیت ضعیفی وادار به امضای موافقتنامه هسته ای کرد. نرخ بالای بیکاری، افزایش بهای نان و مایحتاجات اولیه زندگی و عوارض ناشی از تحریمها و هم اکنون کاهش بهای نفت، سقوط بیشتر استانداردهای معیشتی و خط فقر بالاتری را در افق زندگی مردم محروم رقم زده و زندگی میلیونها نفر را در کام نیستی و نابودی قرار داده است. فروریزی ساختار سیستم سود محور سرمایه داری که در سال 2008 به اوج خودش رسید، قدرتهای بزرگ سرمایه جهانی را

برای تقسیم مجدد بازار بجان هم انداخته است و حمله وحشیانه به طبقه کارگر را بیش از پیش افزایش داده است. سرمایه داری جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به هر بهانه و از هر وسیله ای برای

غارت کارگران و سرکوب مبارزاتش استفاده می کند. شرکتهای بزرگ و نخبه گان مالی اش در بیلان سالانه سودآوری شان باید افزایش تصاعدی داشته باشند وگرنه بحساب میلیونها کارگر دنیا را در آتش جنگ و فقر به یغما میدند. این ماهیت ضد انسانی سرمایه داریست که به هیچ مقدار سودآوری ای راضی نیست و برای حفظ این سیستم از هیچ جنایت و فریبی فرو گذاری نمی کند. ولی یک واقعیت دیگر هم در کنار این وجود دارد و آن این است که همان تناقضاتی که قدرتهای سرمایه را برای تقسیم مجدد بازار جهانی بجان می اندازد، در عین حال خلق شرایط عینی و مادی برای انقلاب سوسیالیستی را بیش از پیش میسر می کند. طبقه کارگر باید مثل همیشه بر وحدت و یکپارچگی طبقاتی اش پافشاری کند و اجازه ندهد به بهانه تفاوتهای ملی، جنسی، قومی و منطقه ای صفوفش تجزیه شود. اول ماه مه تجلی این یکپارچگی و وحدت طبقاتی است که باید حول یک برنامه انقلابی- سوسیالیستی و انترناسیونالیستی استوار شود.

پیش بسوی بسیج سیاسی-طبقاتی کارگران زنده باد روز جهانی کارگران نوشین شفاهی

کار ، مسکن ، آزادی !



تراکت شماره ۴ بمناسبت اول ماه مه کارگران !

اعتصاب و اعتراض حق شما است .
نه دادنس است و نه ستاندن شما بانلایهای خود
این شعار را از فورمولبندی به واتمیت عینی
تبدیل کرده .
وظیفه نوین سازماندهی و بازمس سازماندهی
است .
از طریق ایجاد کمیته ها و هسته های محلی
و تشکیلات های توده ای محلی این
فورمولبندی را نیز به واتمیت عینی تبدیل
نمایند .

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، زنده باد سوسیالیسم !

اطلاعیه شورای نمایندگان احزاب و سازمان ها و نیروهای چپ و کمونیست به مناسبت اول مه مه روز جهانی کارگر

کارگران، زحمتکشان

مردم آزادیخواه ایران!

۱۱ اردیبهشت روز همبستگی و مبارزه جهانی طبقه کارگر در راه است. امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه، روز تجلی همبستگی و رزم انترناسیونالیستی کارگران می رویم که ادامه بحران جهانی نظام سرمایه داری و پیامد های آن بیکاری گسترده، فقر و فلاکت بیسابقه ای را به طبقه کارگر و افشار زحمتکش تحمیل کرده است. دولتهای سرمایه داری برای برون رفت از این بحران با اعمال برنامه های ریاضت اقتصادی و تعرض به معیشت و حداقل دستمزد کارگران می خواهند خودشان را از این گرداب نجات بدهند. طبقه کارگر در مقابل این تعرض همه جانبه سرمایه داران و دولت های حامی آنان دست روی دست نگذاشته و در سراسر جهان با اعتراضات و اعتصابات روزانه خود به مقابله با سرمایه داران برخاسته اند. رهبران و فعالین سوسیالیست جنبش کارگری به خوبی می دانند که در برابر معضلات جامعه سرمایه داری و پیامدهای ناشی از ادامه این بحران، راه نجات و بدیلی جز به زیر کشیدن این نظام استثمارگرانه و برپایی یک نظام سوسیالیستی وجود ندارد. اما شکل گیری آلترناتیو سوسیالیستی در جریان مبارزات طبقاتی کارگران بر علیه سرمایه داری و از راه ارتقاء سطح آگاهی، تحزب و تشکل یابی طبقاتی طبقه کارگر میسر می شود. امروزه گسترش مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران بویژه اعتصابات کارگری و اعتراضات عمومی علیه سیاست های ریاضت اقتصادی بستر مناسبی برای تدارک این امر مهم است. بر بستر این

مبارزات است که آلترناتیو سوسیالیستی می تواند افق و چشم انداز سیاسی روشنی در پیش پای جنبش طبقه ی کارگر و دیگر جنبش های رادیکال اجتماعی قرار دهد.

در ایران نزدیک به ۲ سال از روی کار آمدن کابینه حسن روحانی می گذرد. حاکمیت سرمایه داری جمهوری اسلامی بر پایه اعمال سیاست های نئولیبرالیستی که با وعده نجات اقتصاد ایران از خطر فروپاشی و بهبود وضعیت کار و معیشت کارگران و مردم، از مسیر سازش با امپریالیسم آمریکا و عادی سازی مناسبات با قدرتهای امپریالیستی بر سر کار آمد، نه تنها وضعیت زندگی کارگران را بهبود نبخشید بلکه بیشترین فشارها را بر طبقه کارگر تحمیل نموده است. تعیین حداقل دستمزد سه مرتبه پایین تر از خط فقر کارگران برای سال ۱۳۹۴، بیکار سازی کارگران در ابعاد بی سابقه توده ای، ادامه روند افت ریال در برابر ارزهای خارجی و همراه با آن سقوط قدرت خرید اکثریت مردم، تورم لجام گسیخته، گسترش فقر و فلاکت، اعتیاد و تن فروشی، تشدید سرکوب فعالین جنبش کارگری، زنان، ملی و سایر مبارزات اجتماعی، اعدام زندانیان سیاسی و افزایش جهش وار اعدام های قربانیان آسیب های اجتماعی از جمله نمونه هائی است که تراز نامه رژیم اعدام و فلاکت حاکم بر ایران را نشان می دهد.

در برابر تعرض هر روزه به زندگی و معیشت کارگران ما شاهد روند رو به گسترش اعتراضات و مبارزات کارگری بوده ایم. بازداشت، شکنجه و صدور احکام سنگین برای فعالین کارگری نتوانسته جلو

این روند را بگیرد. کارگران آگاه و پیشرو نشان داده اند که علیرغم تشدید فشار و سرکوب، به تلاش های خود برای دفاع از منافع کارگران و مقابله با تهاجم افسار گسیخته رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ادامه می دهند و برای سازمانیابی کارگران از هیچ تلاشی فروگذاری نمی کنند. گسترش شمار اعتصابات و اعتراضات در همه مراکز کارگری به میدان آمدن پرستاران و معلمان (که در آن ها فعالین زن نقش برجسته ای داشتند) نشان می دهد که طبقه کارگر ستون اصلی مقاومت توده ای (مبارزه طبقاتی) در برابر تهاجم نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی را تشکیل می دهد.

خیال خام خواهد بود هر گاه تصور شود که سازش رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با قدرت های امپریالیستی بر سر مسئله هسته ای به معنای کاهش سرکوب و باز شدن فضای سیاسی خواهد گردید. برعکس، آن ها از هم اکنون با همه قدرت خود را برای مقابله با موج روز افزون اعتراضات کارگری و توده ای آماده می سازند تا طبقه کارگر و مردم ایران شکست فاحش آن ها را به فرصتی برای پیشروی های خود مبدل نسازند.

روز اول ماه مه فرصتی است تا طبقه کارگر و پیشروان جنبش کارگری عزم خود را برای ارتقای مبارزات کارگران، بهم مرتبط کردن و سراسری کردن این مبارزات اعلام نموده و بر بستر این مبارزات تلاش برای برپایی تشکل های طبقاتی و توده ای کارگران را گسترش بخشند. فعالین کارگری در این روز همزمان با برافراشتن پرچم مطالبات کارگران و تلاش برای بسیج توده های هر چه بیشتری از کارگران و خانواده های آنان

برای شرکت در مراسم و آکسیون های اول ماه مه لازم است، اجتماعات زرد و فرمایشی دولت، که از طرف خانه کارگر رژیم، انجمن ها و شوراهای اسلامی و یا کانون عالی انجمنهای صنفی بر پا می شوند را قاطعانه تحریم و بایکوت کنند.

کارگران ایران در این روز با بهره گرفتن از درسهای تجارب مبارزاتی تا کنونی شان بر مطالبات زیر که طی مبارزات سال گذشته همواره مطرح شده است تاکید می کنند:

مردود اعلام کردن حداقل دستمزد تعیین شده از جانب شورای عالی کار رژیم بر خواست افزایش دستمزد ها متناسب با تأمین هزینه یک زندگی انسانی، حداکثر هشت ساعت کار در روز، دو روز تعطیل در هفته و سی روز مرخصی سالیانه با پرداخت حقوق، تعطیلی رسمی اول ماه مه در هر سال با پرداخت حقوق و نیز حق همه کارگران برای برگزاری مراسم اول ماه مه در هر شکل، انحلال خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و همه تشکل های وابسته به دولت در محیط کار، برچیدن شرکت های پیمان کاری و تبدیل همه قراردادهای پیمانی، سفید امضاء و موقت به قراردادهای جمعی، استخدام کارگران با پوشش کامل بیمه های اجتماعی، تأمین ایمنی محیط کار و پرداخت خسارت به کارگرانی که در اثر سوانح و ضایعات ناشی از کار دچار بیماری و نقص عضو می شوند، منع قانونی و قابل تعقیب بودن تحمیل هرنوع سنت رسمی و عرفی مرد و پدرسالارانه بر زنان در محیط کار و زندگی، منع جدا سازی جنسیتی در محل کار، تبعیض و یا اخراج به خاطر مواردی نظیر رعایت پوشش، الغاء هرنوع تبعیض جنسیتی، ملی، قومی، مذهبی، فرهنگی و یا

تعلق به گروههای جمعیتی مهاجر در امر استخدام، بر مبنای اصل حقوق برابر برای کار یکسان برای همه، منع کار کودکان، آزادی حق اعتصاب و تشکل، آزادی کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی، لغو مجازات اعدام، جدائی دین از دولت و آزادی های بی قید و شرط سیاسی.

ما برآنیم که امروز طبقه کارگر ایران برای دستیابی به مطالبات بیشمار خود همچون گذشته، نیازمند سازمانیابی تشکل مستقل و طبقاتی خود است. برای موفقیت در مبارزه پیش روی و وحدت همه بخش های طبقه کارگر (کارگران مناطق و بخش های مختلف اقتصاد، کارگران زن و مرد، کارگران ملیت های مختلف و مهاجر) و همکاری همه تشکل های کارگری ایران، یک ضرورت حتمی و غیرقابل اجتناب است. ضرورتی که همه وجدان های آگاه جنبش کارگری به خوبی به آن واقف هستند. اول ماه مه فرصت دیگری برای ما کمونست ها است که اعلام داریم؛ به میدان آمدن طبقه کارگر متشکل و سازمان یافته و همراهی دیگر جنبش های ترقی خواهانه و پیشرو برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از طریق یک انقلاب اجتماعی، تنها راه واقعینانه رهایی از مصائب نظام سرمایه داری و دست یافتن به آزادی و برابری است.

ما امیدواریم که اول ماه مه امسال سرآغاز مبارزه همبسته و متحد برای مطالبات عاجل طبقه کارگر ایران باشد. ما با همه توش و توان خود و از هر طریق ممکن و موثر یاور و پشتیبان این مبارزات هستیم.

گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران

پیش بسوی همبستگی تشکل های کارگری

در مبارزه مشترک و متحد علیه نظام سرمایه !
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!
پنجشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۴ برابر با ۲۳ آوریل ۲۰۱۵

امضاء ها به ترتیب حروف الفبا:

- ۱- اتحاد چپ ایرانیان در خارج کشور
- ۲- اتحاد چپ سوسیالیستی ایرانیان
- ۳- پیوند در خدمت کمونیست های ایران
- ۴- حزب کمونیست ایران
- ۵- سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
- ۶- سازمان راه کارگر
- ۷- سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
- ۸- شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران- استکھلم
- ۹- شورای فعالین سوسیالیست و آزادیخواه- هامبورگ
- ۱۰- کانون همبستگی با کارگران ایران- گوتنبرگ
- ۱۱- کمیته بین المللی برای حمایت زندانیان سیاسی ایران- ناظر
- ۱۲- کمیته حمایت از مبارزات جنبش کارگری ایران- دانمارک
- ۱۳- کمیته حمایت از مبارزات کارگران ایران- فنلاند
- ۱۴- کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
- ۱۵- کمیته یادمان کشتار زندانیان سیاسی دهه ۶۰ در ایران - مونترال، کانادا
- ۱۶- نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران- غرب آلمان
- ۱۷- هسته اقلیت

سالی پرچالش درمقابل کارگران و زحمتکشان ایران ...

اقدام اعتراضی راهم به کارگران و زحمتکشانی نظیر معلمین و پرستاران نمیداد.

مجموعه وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سطح مبارزات کنونی و صف آرائی صاحبان قدرت و ثروت درمقابل آن نشان میدهد که طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه درسال فراروی با چالشهای جدی مواجه اند. باید با تمام قوا از جنبش های اعتراضی حمایت کرد و بطور خستگی ناپذیر در جهت ارتقای سطح آگاهی و اشکال مبارزاتی و سازمانیابی آنها کوشش نمود. وظیفه کمونیستها، کارگران پیشرو و مبارزاست که با استفاده از امکانات مخفی و علنی در اشاعه آگاهی و اتحاد صفوف کارگران و تکامل این اعتراضات کوشش کنند. یکی از مهمترین چالش در مسیر توسعه و تکامل جنبش کارگری حفظ استقلال طبقاتی کارگران و گذر از مبارزات تدافعی به مبارزات تعرضی در صحنه سیاسی کشور است. برای موفقیت در این عرصه سنگین ترین وظایف بردوش کارگران کمونیست و پیشرو جنبش کارگری است که میباید با اتحاد و سازماندهی خود در کمیته ها و هسته ها در درون کارخانجات و مراکز کارگری و نیز از طریق دخالتگری فعال در تشکلهای محلات، طبقه کارگر و زحمتکشان را در رسیدن به خواست ها و اهداف شان یاری رسانند و نباید اجازه داد برنامه مهار و سرکوب جنبش کارگران و دیگر زحمتکشان توسط رژیم و صاحبان سرمایه و قدرت با موفقیت روبرو بشود.

یدی شیشوانی 9 اردیبهشت ماه 1394

نگاهی گذرا به چهره ی کارگر در ادبیات معاصر فارسی...

معروف «آرش کمانگیر» اثر کسرای، آرش اینگونه خودش را معرفی می کند:

منم آرش سپاهی مردی آزاده
به تنها تیر ترکش آزمون تلختان را
اینک آماده

مجوبیدم نسب

فرزند رنج و کار

گریزان چون شهاب از شب

چو صبح آماده دیدار

و این اتحاد کارگر و مبارز سیاسی در یک غالب است. همان کارگر آگاه به دانش طبقاتی.

گاهی این کارگر یکسره جایش را به مبارز سیاسی در شعر می دهد. مبارزی که باز بیانگر دغدغه ها و خواست های این طبقه است.

چون تصویر قهرمانان در شعرهای شاملو:

نگاه کن

چه فرو تنانه بر در گاه نجابت

به خاک می شکند

رخساره ای که توفانش

مسخ نیارست کرد.

چه فروتنانه بر آستانه تو به خاک می افتد

آنکه در کمر گاه دریا

دست

در ادبیات معاصر نه تنها ایران که همه ی ملل ها پرداخت به شخصیت کارگر و دغدغه هایش همه تاریخی را سپری کرده، شکل عوض کرده اما محوریت خود را از دست نداده و نخواهد داد. با ایمان به اینکه میل آدمی به عدالت و زندگی خالی از بهره کشی و سود جستن از رنج دیگری، تا آدمی باشد و سیستم سرمایه، در وجود آدمیست. و تا رسیدن به جامعه ی سوسیالیستی و برچیدن بساط سرمایه، نویسندگان و شاعران متعهد و مردمی، این طبقه و خواست ها و باورهایش را ترسیم می کنند و چون سندی از در مقابل چشم نسل های خوشبخت بعد از ما خواهند نهاد که این راه را چگونه کارگران و زحمتکشان مبارز طی نموده اند.

کار، مسکن، آزادی!

تراکت شماره ۶ بمناسبت اول ماه مه ۹۴

اتحاد کارگران بویزه پیشروان کارگری یک ضرورت انکارناپذیر است.

اما تنها عامل نزدیکی و امکان اتحاد بایدار. شرکت عملی در مبارزات روزمره و نزدیکی با جنبش های اجتماعی بخصوص جنبش کارگری است. تبلیغ و ترویج و سازماندهی از وظایف مهم کارگران پیشرو است. لازم است در محیط کار و زیست به سازماندهی اعتراضات توده ای همت گماشت و تشکلهای لازم را به همین منظور ایجاد نمود.

با شرکت در تجمعات اول ماه مه و شمار مخوری کار - مسکن - آزادی به استقبال اول ماه مه برویم.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست هشتم اردیبهشت ۹۴

نابود باد نظام سرمایه داری
زنده باد سوسیالیسم!

ایش، ایو، آزادلیق!

کار، خانوو، نازادی!

دنیای کارگران نیست این سرای ستم دنیای دیگر است که بنیاد می شود

گرامی باد ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) روز جهانی کارگر ! (کمیته کردستان)

کارگران و زحمتکشان و توده های تحت ستم و دربند:

۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) روز جهانی کارگر ، روز اتحاد و همبستگی اردوی کار جهانی در راه است . ۱۱ اردیبهشت هر سال روز نمایش قدرت و اراده نیروی عظیمی است که عزم خود را برای برپایی نظامی نوین و دور از ظلم و اجحاف و استثمار سیستم پوسیده سرمایه داران و رهایی نسل بشر از مصائب چنین نظام غیر انسانی جزم نموده است .

امسال در شرایطی این روز بزرگ را جشن خواهیم گرفت که رفرمهای نظام سرمایه داری بمنظور تضمین انباشت سرمایه و رهایی از بحران هردم فزاینده دامنگیر آن در چهار گوشه جهان بجز فقر و فلاکت ، افزایش بیکاری و از میان رفتن دستاوردهای جنبش کارگری و رفاه اجتماعی ، نتیجه ای دیگر در بر نداشته است ، در شرایطی که بشر امروزی شاهد رشد خیره کننده دانش و تکنولوژی در عرصه های مختلف است و میبایست از آن برای رفاه و آسودگی خود و استقرار نظامی عاری از هرگونه ستم و استثمار و هزاران مصائب دیگر بهره میگرفت ، در گوشه و کنار این کره عظیم خاکی انسانهای بیشماری یا در زندانهای کار سرمایه داران و یا در زندان و سیاهچالهای پاسداران نظم کهن جانشان را از دست میدهند . و نصیب آنان از آخرین دستاوردهای دانش و تکنولوژی تنها و تنها کار و کار و بازهم

کار ، سرکوب و تحقیر و مرگ است . همچنین تشدید بحران نظام سرمایه داری موجبات ایجاد و گسترش جنگهای منطقه ای را در چهار گوشه جهان فراهم نموده است . میلیونها انسان آواره شده و هر روزه صدها انسان دیگر در آتش این جنگها که بخاطر حرص و آز سرمایه داران افروخته میشوند ، خواهند سوخت .

در چنین شرایط و اوضاع و احوالی ، هجوم گسترده حاکمان و سرمایه داران به سطح معیشت کارگران ، دستگیری آنها و سرکوب مبارزاتشان افزایش یافته و کارگران بیشتر از هر زمان دیگری به ضرورت اتحاد ، گسترش مبارزه و مقاومت در برابر هجوم سرمایه در سطح جهانی پی میبرند . مسلم است که این مبارزات تنها زمانی به نتیجه دلخواه میانجامد که کارگران خود را سازمان داده و حمایت جهانی را به دست آورند .

شکی نیست که مبارزه کارگران برای بهبود شرایط کار و معیشت امری لازم و ضروری است که میبایست کارگران را برای تحقق آن متحد و متشکل ساخت ولی در نظامهایی که دیکتاتوری افسار گسیخته باندهای مافیایی اجازه تشکیل تشکلات زرد و صرف صنفی را از طبقه کارگر و سایر زحمتکشان جامعه در زنجیر سلب نموده ، وظایف کارگران و زحمتکشان و پیشروان طبقاتی آنانرا برای پیشبرد امر مبارزه طبقاتی و پیوند با طبقات و اقشار ستمدیده بیش از آنچه تصور میشود با مشکل مواجه میکند .

رژیم جمهوری اسلامی هر سال در چنین روزی از طریق ارگانهای ضد کارگری خویش مراسم فرمایشی برگزار میکند تا از این طریق مانع برگزاری هرگونه مراسم مستقل از جانب کارگران گردد . تلاش بی

وقفه کارگران چه در رژیم شاه و چه در دوران رژیم جمهوری اسلامی ، همیشه با زندان ، شکنجه و اعدام پاسخ داده شده است .

رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز همانند تمامی حکومتهای سرمایه داری ، همیشه جار و جنجال تبلیغاتی به راه میاندازد تا اینکه به توده ها و بخصوص کارگران و جوانان بقبولاند که سوسیالیسم و کمونیسم از میان رفته است . علیرغم جاروجنجال رژیم علیه کمونیسم ، ایمان طبقه کارگر ایران نسبت به سوسیالیسم سست نگردیده . بلکه ضرورت تاریخی تغییر و تحولات انقلابی در جامعه و دفاع سرسختانه آنها از دموکراسی و سوسیالیسم افزون گردیده است .

در ایران جمهوری اسلامی زده بدلیل شرایط دیکتاتوری و سرکوب سالیان گذشته ، هرگونه ارتباط ما بین طبقه کارگر و اقشار اجتماعی همچون زحمتکشان ، فرهنگیان ، کارمندان و غیره در سطحی پایین قرار دارد . با این وجود رژیم قادر نگردیده این ارتباط هر چند ضعیف را بطور کامل از هم بگسلد . در شرایط کنونی راه حل مشکلات طبقه کارگر همچون دیگر اقشار ایران در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است . اکنون پس از ۳۶ سال درد و رنج ، فقر و گرسنگی ، جنگ و خانه خرابی ، شکنجه و اعدام حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی ، طبقه کارگر ایران به استقبال روز اول ماه مه خواهد رفت ، به این امید که بتواند اتحاد و انسجام خویش را مستحکم تر سازد ، خود را سازمان دهد و بر ویرانه های جمهوری اسلامی ، نظامی بدون استثمار و آزاد و دموکراتیک مستقر سازد .



با کمک های مالی خود ، سازمان اتحاد فدائیان
کمونیست را در پیشبرد برنامه و اهداف
انقلابی اش یاری رسانید .

شماره حساب :

NL 18 ABNA 0482003227

ALI hassanlu

**آخرین اخبار و گزارشات . مقالات . اطلاعیه ها و نشریات سازمان
اتحاد فدائیان کمونیست از سایت زیر دریافت کنید :**

[Www.kare-online.com](http://www.kare-online.com)

آرشیو اسناد . اطلاعیه ها و نشریات سازمان در سایت :

[Www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)

**برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و یا ارگانهای آن با
یکی از آدرسهای زیر تماس بگیرید**

.....

کار کمونیستی آنلاین

info@kare-online.org

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azar@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org

لینک برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

**[http://www.fedayi.org/content/
blogcategory/15/90/](http://www.fedayi.org/content/blogcategory/15/90/)**

کارگران مبارز و پیشرو :

با درك درست و اصولی از قوانین مبارزه
طبقاتی و شناخت شرایط ویژه حاکم بر جامعه
، اول ماه مه امسال را به میدان مبارزه پیگیر
و بی امان بر علیه نظام سرمایه داری
ارتجاعی جمهوری اسلامی و تحقق
درخواستها و مطالبات برحق خویش ، همانند
حق ایجاد تشکلهای مستقل ، حق اعتصاب ،
تظاهرات ، بیان و دیگر درخواستهایمان تبدیل
نمائیم و در این رهگذر ضمن سازماندهی
خویش ، صفوفمان را مستحکمتر سازیم .

اول ماه مه امسال را تبدیل به میدان مبارزه
پیگیر و بی امان در هر شکل آن بر علیه نظام
استثمارگر و سرکوبگر حاکمان فاسدی کنیم
که سرنوشتمان را رقم میزنند و در این
رهگذر عموم توده ها را به مبارزه بی امان
بر علیه ظلم و استثمار تشویق نمائیم .

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران و
زحمتکشان سراسر جهان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

کمیته کردستان

اردیبهشت 1394

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
یک سازمان کمونیستی و بخشی از
طبقه کارگر است که در جنبش آن
شکل گرفته و هدف خود را
گسترش و تکامل مبارزه طبقه
بسمت پیروزی نهائی و ساختمان
جامعه سوسیالیستی و کمونیستی
قرار داده است ، که در آن وحدت و
یگانگی انسان تامین و تکامل هر
فرد شرط تکامل همگان است .
مبانی سیاسی و خط و مشی آن در
برنامه سازمان بیان گردیده است .